

بیماری های جسمی و روحی در طب اسلامی از دیدگاه معصومین(ع)

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال پنجم)
شماره ۱۷ / پاییز ۱۳۹۸ / ص ۱۱۱-۱۰۲

علی نجارپوریان^۱، علی طاهری دهنوی^۲

^۱ استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فرهنگیان شهید چمران تهران

^۲ کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز

نام نویسنده مسئول:

علی طاهری دهنوی

چکیده

اسلام دین کاملی است که دستورات آن شامل عبادات، معاملات، معاطات و همچنین شامل واجبات، محرمات، مستحبات، مکروهات، مباحات و همچنین شامل دستورات کاملی برای روح انسان به عنوان بُعد حقیقی بشر و جسم انسان به عنوان ابزار لازم برای رسیدن به کمال است. این فرامین الهی همه‌ی جنبه‌های زندگی انسان را در بر می‌گیرد و صراط مستقیم و سراج منیر را به او نشان می‌دهد. یکی از مباحثی که اسلام آن را مورد توجه قرار داده و دستور به رعایت داده است مربوط به سلامتی انسان و بیماری‌های جسمی و روحی اوست. به تبع احکام اسلام شامل فرامین الهی در قرآن و وضع قوانین توسط پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) به عنوان شارع در طول شارع بودن خداوند است. تمامی آنچه به عنوان دستورات دین حتی در جزئی‌ترین فعل انسان رسوخ کرده برای رسیدن بشر به سعادت است. لازمه‌ی رسیدن به سعادت، سلامت روح و جسم انسان است کسی می‌تواند این راه پرتلاطم را طی نماید که از نظر روحی و جسمی سالم باشد؛ به تبع دین اسلام برای هموار ساختن راه بشر برای رسیدن به سلامت روح و جسم دستوراتی دارد که بشر با رعایت آنها می‌تواند سریع‌تر و آسان‌تر به این مقصود دست بیابد. امروزه حتی با پیشرفت علوم پزشکی و روان پزشکی، بسیاری از بیماری‌ها وجود دارند که درمانی برای آنها یافته نشده است ولی در دین اسلام با رعایت همین دستورات جزئی و ساده می‌توان از بسیاری از بیماری‌های جلوگیری نمود و یا حتی آنها را درمان نمود. به همین علت برای پیشرفت علم در تمامی جنبه‌ها نیاز به جهاد میان رشته‌ای و کار علمی دقیق است تا دین و علوم پزشکی و روان پزشکی بتوانند در کنار هم به صورت مکمل بسیاری از معضلات را بر طرف نمایند.

واژگان کلیدی: بیماری، جسم، روح، سیره، طب، اسلام

مقدمه

دین مبین اسلام در چهارده قرن پیش احکامی را برای بشر آورد که او با رعایت آنها می‌تواند به هدف نهایی خود یعنی سعادت برسد. این رسیدن به سعادت نیازمند صحت و سلامت جسم، روح و روان انسان است. به همین علت خداوند در احکام دین اسلام و پیامبر در سیره‌ی خود به دستوراتی اشاره دارد که با رعایت آنها می‌توان به صحت و سلامت روحی و جسمی رسید. همان‌گونه که خداوند فرموده: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱) قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند. رسول خدا(ص) به عنوان الگو و سرمشقی است که در پیروی از او سعادت برای بشر است. قسمتی از سیره و سنت پیامبر(ص) مربوط به احادیث و عمل ایشان درباره‌ی سلامتی جسم و روح انسان است. اهمیت موضوع برای این است که با اینکه علم بشر روز به روز پیشرفت نموده و بسیاری از بیماری‌ها را مداوا نموده و حتی عامل پیشگیری‌کننده برای آنها ایجاد نموده است ولی دستورات خداوند و سیره‌ی پیامبر(ص) که از منبع وحی الهی است و از جانب خداوند است می‌تواند پاسخگوی نیاز پزشکی و کمک‌کننده به آن باشد. موضوع این است که آیا طب اسلامی درباره‌ی بیماری‌های جسمی و روحی و مداوای آنها اقدامی نموده است؟ سوال اصلی این است که آیا طب اسلامی با محوریت سیره‌ی پیامبر(ص) و معصومین(ع) می‌تواند راه جدیدی برای مداوای بیماری‌ها داشته باشد؟ و اینکه آیا طب اسلامی با وجود پیشرفت‌های طب نوین هنوز پویایی خود را دارد؟ و همچنین آیا می‌توان بین طب اسلامی و طب نوین ارتباط برقرار ساخت؟ درباره‌ی پیشینه‌ی پژوهش باید گفت کتاب‌های فراوانی از احادیث و سنت پیامبر(ص) و ائمه معصوم(ع) درباره‌ی طب اسلامی و بیماری‌های جسمی و روحی نگاشته شده است همانند طب النبی(ص)، طب الرضا(ع)، طب الصادق(ع)، طب امام علی(ع) و... که هر کدام از این کتاب‌ها مفصلاً به تبیین این موضوعات و احادیث پیرامون آنها می‌پردازد. ولی مقاله‌ی مناسبی که همه‌ی این جنبه‌ها را در یک بررسی کلی و جزئی، دقیق نشان دهد و بتواند راه گشای ارتباط بین طب نوین و طب اسلامی باشد کمتر کار شده است. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که بیماری‌های روحی و جسمی تمامی آنها دارو و درمان دارد همانگونه که پیامبر(ص) فرمودند: «آن که دردها را آفریده، برای آنها درمان نیز آفریده است» (تمیمی‌المغربی، ۱۳۸۹ق: ۱۴۴/۲، ج ۵۰۰) و همچنین ایشان می‌فرمایند: «خود را مداوا کنید؛ چه، خداوند عزوجل هیچ دردی را فرو نفرستاده، مگر این‌که برای آن، شفایی هم نازل کرده است» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۳۷/۲، ج ۲۴۶۰). در این باره امام علی(ع) می‌فرماید: «هر زنده‌ای را دردی هست و هر بیماری‌ای را درمانی است» (لیثی واسطی، ۱۳۸۷: ۴۰۱، ج ۶۷۶۳ و ۶۷۶۴) همچنین امام صادق(ع) فرموده: «هیچ دردی نیست مگر آنکه بتن شتابد و به انتظار است که چه زمانی فرمان بدو رسد تا تن را فرو گیرد و در روایت دیگر فرموده است که- جز تب زیرا که آن یکباره بتن در آید» (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۶۶/۱). امام رضا(ع) می‌فرمایند: «خداوند عزوجل بدن را به هیچ بیماری‌ای گرفتار نساخت، مگر آن هنگام که برایش دارویی قرارداد که بدان، درمان شود و برای هر نوع دردی، نوعی درمان است و چاره‌ای و نسخه‌ای» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۰۹/۶۲). بر این اساس احادیث رسیده از پیامبر(ص) و معصومین(ع) بیانگر این موضوع است که هر نوع بیماری که وجود دارد خداوند برای آن دارو و درمانی قرار داده تا آن بیماری را به وسیله آن درمان نماید و اینکه امروزه بیماری‌هایی بدون درمان قطعی پیدا شده‌اند نشانگر این نیست که برای آن بیماری دارویی نیست بلکه بیانگر این است که علم بشر به آن اندازه رشد نموده تا درمان و دارویی مناسب برای آن بیابد. اهمیت مطالعه‌ی این موضوع در این است که با احکام پزشکی و روانپزشکی اسلامی آشنا شده و می‌توان خط مشی مناسبی را از آنها گرفته و با تحقیق علمی و میان رشته‌ای به نتیجه‌ی مناسب در درمان بیماری‌ها رسید. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخگویی به پرسش‌هایی از قبیل: «بیماری‌های جسمی، روحی و روانی از دیدگاه سیره نبوی چیست؟» و... می‌باشد.

۱) بیماری‌های جسمی

باید در نظر گرفت احادیث و عملی که از پیامبر(ص) و ائمه(ع) رسیده بیشتر به عنوان مداوا و درمان بیماری‌ها می‌باشد. این نکته را هم باید در نظر گرفت که درباره‌ی بیماری‌های جسمی، بیماری‌ها به چند قسمت تقسیم می‌شوند: الف) آنچه مربوط به خوراک و تغذیه است، ب) آنچه مربوط به اعضای بدن است، ج) آنچه مربوط به روابط جنسی، د) آنچه مربوط به بهداشت است، ه) آنچه مربوط به زیبایی است؛ که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود.

۱-۱) بیماری‌های مربوط به خوراک و تغذیه

پیامبر(ص) به علی(ع) فرمود: «غذایت را به نمک آغاز و بدان پایان بر، چرا که آن درمان هفتاد مرض است که کمترین آن امراض جنون و جذام و پیسی می‌باشد» (ابن شعبه، ۱۳۸۱: ۲۰).

پیامبر خدا(ص) فرمودند: «خربزه را گاز بزنی و بخورید نه آنکه قطعه قطعه کنید، چون که میوه مبارکی و خوشبو، پاک کننده دهان و قلب و سفید کننده دندان و خشنود کننده خدایت، بویش از عنبر و آبش از کوثر و گوشتش از فردوس و لذتش از بهشت و خوردنش نوعی عبادت است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹/۲۹۶) بر این اساس مصرف خربزه موجب چند چیز می شود: ۱- خوشبو شدن دهان؛ ۲- سفید شدن دندانها؛ ۳- پاک شدن قلب که می توان به عنوان تصفیه کننده خون و روشن کننده خون از آن نام برد.

از سفارش های پیامبر(ص) به امیرالمومنین(ع): «یا علی(ع) عدس را بخور، غذای مقدس و با برکتی است، سبب رقت و نرمی قلب می شود و اشک را زیاد می کند. عدس غذایی است که هفتاد پیامبر با خوردنش برکت جسته اند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۳/۲۵۸). طبق این حدیث عدس حاوی ماده ای است که سبب افزایش میزان اشک در غدد اشکی می شود و حاوی آهن است و موجب تقویت بخش هم، گلبول قرمز می شود و به این سبب موجب افزایش خون خواهد شد که گردش خون را تقویت نموده و موجب تقویت قلب می گردد.

رسول اکرم(ص): «کدو بخورید چون اگر خدا می دانست گیاهی از کدو سبک تر است برای برادر یونس آن را می رویاند اگر آبگوشت درست کردید کدو زیاد در آن بریزید، چون قوه ی فهم و عقل را زیاد می کند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۶/۲۲۸). رسول الله(ص): «بر شما باد کُنْدَر؛ چرا که عقل را افزون می کند، ذهن را ذکاوت می دهد، چشم را جلا می بخشد و فراموشی را از میان می برد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۲/۲۹۴). پیامبر(ص): «هر کس سداب بخورد و بر آن بخوابد، از سرگیجه و ذات الجنب، ایمن باشد» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۳۴/۱).

پیامبر(ص): «روغن زیتون بخورید و خود را با آن، چرب کنید؛ زیرا در آن، درمان هفتاد درد است که جذام، از جمله آن- هاست» (متقی، ۱۴۱۹: ۱۰/۴۸، ح ۲۸۲۹۹). پیامبر(ص): «سه چیز قدرت بینایی را افزون می کند: سرمه کشیدن به اُئْمِد، نگریستن به سبزی و نگاه کردن به چهره زیبا» (متقی، ۱۳۸۵: ۵۱/۱۰، ح ۲۸۳۱۴). پیامبر(ص) فرمودند: «به شنبلیله درمان بجوید. اگر امت من می- دانستند که شنبلیله برایشان چه سودهایی دارد، با آن درمان می کردند، هر چند همسنگ آن، طلا می دادند!» (حمیری، ۱۴۱۷: ۲۴۵/۱). پیامبر(ص): «سیر بخورید و بدان درمان کنید؛ چرا که درمان هفتاد درد در آن هست» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۳۹۴/۱، ح ۱۳۳۵).

پیامبر(ص): «بر شما باد خیار؛ چرا که خداوند متعال، درمان هر دردی را در آن نهاده است» (متقی، ۱۳۸۵: ۱۰/۴۵، ح ۲۸۲۸۱). پیامبر(ص) فرمودند: «بر شما باد خرفه؛ چرا که زیرکی می دهد و اگر تنها یک چیز باشد که عقل را افزون می کند، همان است» (برقی، ۱۳۳۱: ۲/۳۲۳، ح ۲۰۹۴). پیامبر(ص) می فرمایند: «بر شما باد ترنج، چرا که دل را نیرو می بخشد و بر توان مغز می افزاید» (مستغفری، ۱۳۶۲: ۸).

پیامبر(ص): «پنیر، درد است؛ اما چون با گردو خورده شود، درمان است» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۴۰۳/۷، ح ۳۹۴۷). پیامبر(ص): «عناّب، تب را می برد» (مستغفری، ۱۳۶۲: ۹). پیامبر(ص): «گوشت و شیر، گوشت می رویاند و استخوان ها را استحکام می بخشند» (تمیمی المغربی، ۱۳۸۹: ۱۴۵/۲، ح ۵۱۱). پیامبر(ص): «بر شما باد شیر و روغن گاو اما از گوشت آن حذر کنید چرا که شیر و روغنش دارو و درمان و گوشتش بیماری است» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴/۴۴۸، ح ۸۲۳۲). پیامبر(ص): «گوشت، شنوایی و بینایی را افزون می کند و گوشت همراه با تخم مرغ بر توان جنسی می افزاید» (تمیمی المغربی، ۱۳۸۹: ۱۴۵/۲، ح ۵۱۱).

امام علی(ع): «پیه، هم اندازه ی خود، بیماری را از بدن بیرون می برد. مردم، به هیچ چیز بهتر از روغن حیوانی و قرائت قرآن، درمان نجسته اند» (متقی، ۱۴۱۹: ۱۰/۸۶، ح ۲۸۴۷۲). امام علی(ع): «هر کس مایل به خوردن ماست است و نیز می خواهد که زیانی به او نرسد زنیان در آن بریزد و بخورد» (پاک نژاد، ۱۳۶۰: ۶/۱۲۶). امام علی(ع): «سیب را مصرف کن زیرا حرارت بدن را کاهش می دهد مزاج را خنک می سازد و تب را بر طرف می کند» (برقی، ۱۳۳۱: ۵۵۱). امام علی(ع): «نوشیدن شیر شفای هر دردی است مگر مرگ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۳/۹۵).

امام علی(ع): «عسل شفا دهنده ی همه ی امراض و بیماری ها است و هیچ ضرر و آفتی در آن نیست. بلغم را کاهش و قلب را صفا و جلا می دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۳/۲۹۴). امام علی(ع): «بر شما باد به خوردن گوشت زیرا خوردن گوشت سبب ازدیاد گوشت بدن می شود و کسی که چهل روز گوشت نخورد اخلاق ناپسند پیدا می کند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۳/۵۸). امام علی(ع): «گوشت گاو بیماری است» (برقی، ۱۳۳۱: ۲/۲۵۲، ح ۱۷۹۳). امام علی(ع): «کمتر ماهی بخورید چرا که بدن را ذوب می کند بلغم را افزون می سازد و نفس را سنگین می نماید» (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۶۳۶: ۱۰). امام علی(ع): «خوردن به، قلب ضعیف را قوی، معده را پاک، ترسو را شجاع و فرزند را زیبا می کند» (ابن شعبه، ۱۳۸۱: ۱۰۱).

امام علی(ع): «کمتر خوردن مانع بسیاری از بیماری های جسم می شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۱۳/۱۴). امام علی(ع): «پر خوری و پر خوایی باعث فساد و تباهی مزاج و مایه ی جلب عوارض زیان بار است» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۱۳/۱۴). امام رضا(ع): «روغن زیتون طعام خوبی است زیرا بوی دهان را خوش و بلغم را می برد و رنگ صورت و بدن را را شفاف و با صفا و عصب را محکم و بیماری را از بین برده و آتش غضب را خاموش می کند» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۱۸). طبق این حدیث موارد بلغم، بوی بد دهان، زیبایی پوست، تقویت اعصاب، کنترل خشم تماماً بوسیله ی روغن زیتون کنترل و منظم می شود. امام رضا(ع): «آویشن معده

را تقویت می‌کند و بلغم را بر طرف می‌نماید، آویشن نیز انسان را از لقوه^۱ در امان نگاه می‌دارد» (کارلیه، ۱۳۸۴: ۵۰). امام رضا(ع): «خوردن باقلا، مغز استخوان‌های ساق پا را استحکام می‌بخشد و خون تازه تولید می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۹: ۲۳۴/۶، ح ۲). امام رضا(ع): «همانا صلاح و قوام بدن به طعام و نوشیدنیست چنان که فسادش نیز به همین دو است اگر خوردنی و نوشیدنی را اصلاح کنی بدن سالم است و اگر آشفته و بی‌نظم باشد بدن نیز فاسد و پریشان خواهد بود» (امام هشتم علیه السلام، ۱۳۸۱: ۵۷). امام رضا(ع): «در فصل بهار باید از خوردن پیاز و سیر و ترشی پرهیز کرد» (امام هشتم علیه السلام، ۱۳۸۱: ۱۲۴). امام رضا(ع): «سیر معده را ضد عفونی می‌کند، میکروب‌ها را خصوص میکروب وبا و گریب را می‌کشد، جهاز تنفس را نیرومند می‌گرداند و برای درمان سل و برنشیت خیلی نافع است. در مورد اسهال و ضعف معده و کندی اعصاب و ذهن سودمند است، پیاز مغز را قوی می‌گرداند. سیر دارای ویتامین ث و ب می‌باشد و برای روماتیسم و نقرس بسیار مفید است. ضمد سیر بهترین مسکن دردهای موضعی است. خوردن سیر برای اشخاصی که معتاد به افیون هستند خوب نیست» (امام هشتم علیه السلام، ۱۳۸۱: ۱۷۳). امام صادق(ع): «خوردن کباب، ضعف و تب را از بین می‌برد» (کلینی، ۱۳۶۹: ۳۱۹/۶، ح ۴). امام کاظم(ع): «به تبادار گوشت کبک بخورانی چنانکه پاهای آن را نیرو می‌دهد و تب را کاملاً دور می‌کند» (کلینی، ۱۳۶۹: ۳۱۲/۶، ح ۴).

۱-۲) بیماری‌های مربوط به اعضای بدن

پیامبر(ص): «در انسان پاره گوشتی است که اگر آن سالم و درست باشد، دیگر اعضای بدنش هم با آن سالم می‌شوند و هرگاه آن بیمار شود، دیگر اعضای بدنش بیمار و فاسد می‌گردند. آن پاره گوشت، قلب است» (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۳۱، ح ۱۰۹). امام علی(ع): «هر یک از اعضای بدن به استراحت احتیاج دارد» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۲۴۵). امام علی(ع): «جسم آدمی شش حالت دارد: سلامت و مرض، مرگ و حیات، خواب و بیداری، جان آدمی نیز دارای این شش حالت است: حیات جان علم است و مرگش جهل، مرض جان شک و تردید است سلامتش یقین، خواب جان غفلت و بی‌خبریست و بیداریش حفظ و مراقبت است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴/۳۹۸). امام باقر(ع): «خداوند آدمی را میان تهی آفریده و ناچار باید به شکم خود غذا برساند» (کلینی، ۱۳۶۹: ۲۸۶/۶). امام صادق(ع): «بدن آدمی بر غذا پایه‌گذاری شده است» (کلینی، ۱۳۶۹: ۲۸۶/۶). امام صادق(ع): «خداوند تبارک و تعالی دو گوش را به خاطر این تلخ قرار داده که هیچ جنبنده و حشرهای در آن داخل نمی‌شود مگر آن که می‌میرد و اگر غیر از این می‌بود حشرات انسان را می‌کشتند، حق تعالی گوش‌ها را تلخ نمود زیرا این عضو از معالجه شدن امتناع داشته لذا حق عزوجل مایع و رطوبت تلخ را در آن قرار داد تا بدین وسیله از ابتلاء به امراض مصون باشد و چشم‌ها را شور نمود زیرا جنس آنها از پیه بوده که در صورت شور نبودن آب می‌شوند و لب‌ها را شیرین قرار داد تا انسان مزه شیرینی و تلخی را بیابد و در بینی رطوبت جاری نهاد تا مرض و آفتی در سر پیدا نشده مگر آن که با این رطوبت خارج گردد و اگر این رطوبت نمی‌بود مغز سفت و سخت می‌شد و کرم می‌گذازد و اگر سردی و رطوبت در بینی نمی‌بود مغز از گرما جاری می‌شد حق تعالی آب دهان را شیرین نمود زیرا بدین وسیله بین طعام و شراب تمیز گذارده می‌شود» (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۳۰۷/۱). امام رضا(ع): «غذائی را که ما می‌خوریم حتماً باید وارد معده ما بشود تا بواسطه ترشح غدد هضم و جذب بدن گردد ولی اغلب حیوانات خصوص چهارپایان یک قسمت عمل هضم در مری و قسمت دیگر در روده‌های آنها انجام می‌گیرد گرچه در مری انسان نیز این خاصیت بطور مختصری یافت می‌شود اما چون روده‌های انسان به هیچ وجه ترشح اسیدی ندارد و همه اعمال هضم در خود معده باید صورت بگیرد لذا شرط تمامیت عمل هضم که مدخلیت تام در سلامتی ما دارد آنست که سر معده کمی خالی باشد تا معده به آسانی بتواند روی غذا فعالیت کند، معده ما مشکی را می‌ماند که دوغ در آن ریخته و بزنند تا کره‌اش جدا شود و معلومست مشکی که پر باشد این کار از او ساخته نیست چنانچه اصرار داشته باشند با خطر ترکیدن دست بگریبان است» (امام هشتم علیه السلام، ۱۳۸۱: ۱۱۳). امام رضا(ع): «بواسیر، روماتیسم و دردهای مختلف مفاصل، زکام و سرماخوردگی، سردرد و سرگیجه، کم نوری چشم و سوء هاضمه و صدها ناراحتی دیگر از عوارض یبوست مزاج است. علت عمده یبوست مزاج مرتب نبودن کار معده است» (امام هشتم علیه السلام، ۱۳۸۱: ۲۰۰). امام رضا(ع): «بدان که بهتر وسیله‌ای که با آن می‌توانی دندان را مسواک کنی لیف اراک است چه مسواک دندان را جلا می‌دهد، دهان را خوشبو می‌کند، لثه‌ها را محکم می‌کند و آن را نیرومند می‌گرداند و در صورتی از حفر سودمند است که به اعتدال مسواک کنند و زیاده‌روی در آن عاج دندان را می‌برد و آن را می‌لغزاند و ریشه‌هایش را سست می‌کند» (امام هشتم علیه السلام، ۱۳۸۱: ۲۰۲). امام رضا(ع): «حجامت از ساقین در مورد دردهای مزمن که در کلیه و شانه و رحم پیدا می‌شود سودمند است، خون حیض را روان می‌گرداند جز اینکه بدن را کمی ضعیف و لاغر می‌کند و گاهی عارضه

^۱ لقوه - مرضی است که در صورت انسان پیدا می‌شود و لب و دهان یا فک به طرفی کج می‌شود.

غشوه سخت از آن پدید می‌آید و موجب شب کوری می‌گردد. حجامت روی ران از قسمت جلو انسان را از ورم خصیتین و دمل و ورم‌هایی که روی ران و ساق پا و زیر زانو پیدا می‌شود حفظ می‌کند» (امام هشتم علیه السلام، ۱۳۸۱: ۲۲۱). امام رضا(ع): «کسی که می‌خواهد بدنش از استیلاي باد در امان باشد هر هفته یک بار سیر بخورد» (امام هشتم علیه السلام، ۱۳۸۱: ۲۷۳).

۳-۱) بیماری‌های مربوط به روابط جنسی

پیامبر(ص): «در شب عید فطر، عید قربان و نیمه شعبان نیز آمیزش به قصد فرزند دار شدن دوری گزینید چرا که ممکن است فرزند شما شرور، معلول، بد یمن و زشت رو گردد» (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۱۸۷/۱۴). امام علی(ع): «هر مردی که موی بدنش زیاد شود شهوتش کم می‌شود» (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۱۵/۱۰۶ و ۱۷۸). امام حسن(ع): «مکانی خلوت در زمانی بی سرو صدا با دلی آرام شرایط مناسبی برای هم بستری است. اگر آمیزش و انعقاد نطفه با دلی آرام و خالی از اضطراب صورت پذیرد، خون به صورت طبیعی در رگ‌ها جریان می‌یابد، انتقال صفات طبیعی‌تر انجام می‌گیرد و در نتیجه فرزند به پدر و مادرش بیشتر شبیه خواهد شد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵۹/۶). امام صادق(ع): «حلالی لذت بخش‌تر از هم بستر شدن با همسر نیست، ولی زیاده روی در این امر نارواست، میانه روی در آمیزش به سلامت آدمی می‌افزاید و عمر را زیاد می‌کند» (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۱۴/۹۶). امام صادق(ع): «هیچ گاه با شکم سیر با همسر خود هم بستر نشوید این کار موجب بیماری و چه بسا موجب مرگ خواهد شد» (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۱۴/۱۹۱). امام صادق(ع): «در این اوقات آمیزش نکنید: ۱- بین اذان صبح و طلوع خورشید ۲- بین غروب تا تاریک شدن هوا ۳- هنگام خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی ۴- هنگام زلزله» (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۹۶). امام کاظم(ع) فرمود: «در شش مورد مانعی ندارد که مرد منی را خارج از رحم بریزد، از زنی که یقین دارد نازاست، از زن سالخورده، از زن زبان دراز، از زن بد زبان بیهوده‌گو، از زنی که بچه خود را شیر نمی‌دهد و از کنیز» (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۱۴/۱۰۷ و ۹۵ و ۱۰۰). امام رضا(ع): «هنگامی که به اوج لذت جنسی نزدیک شده‌اید، حتی الامکان از ریختن نطفه‌ی خود به بیرون خودداری مکنید، بگذارید غدد جنسی آزادانه به تخلیه بپردازند، خودداری از تخلیه‌ی نطفه، موجب سنگ مثانه خواهد شد» (قمی، ۱۳۸۶: ۱، باب الجمع). امام رضا(ع): «اگر به هر دلیل عمل آمیزش به طول انجامید و عمل انزال صورت نگیرد، چه بسا موجبات سنگ مثانه فراهم گردد. از طولانی کردن مدت هم بستری بدون انزال پرهیز کنید» (قمی، ۱۳۸۶: ۱، باب الجمع). امام رضا(ع): «پس از آمیزش یکباره بلند مشوید و ننشینید، بلکه ابتدا به طرف راست بچرخید و اندکی بعد برای ادرار ولو اندک برخیزید، پس از آن برای رسیدن به تعادل و آرامش غسل کنید، با رعایت این آداب از سنگ مثانه در امان خواهید ماند» (همان). امام رضا(ع): «همان گونه که در امور جنسی زیاده روی نارواست، کم گذاردن و سستی به خرج دادن نیز ناشایست است، روا نیست مرد بیش از ۴ ماه، آمیزش جنسی با همسر جوان خود را ترک کند حتی اگر مصیبت دیده باشد» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۸۸). امام رضا(ع): «با زن‌ها در اول شب چه در زمستان یا تابستان آمیزش نکنید، زیرا معده و رگ‌ها پر است و برای آمیزش مناسب نیست و موجب بیماری‌های سختی مثل قولنج و نقرس و سنگ مثانه و چکیدن ادرار و ضعف و رقیق شدن چشم می‌شود، هرگاه خواستی آمیزش کنی در آخر شب انجام ده که برای بدن مناسب‌تر و برای فرزنددار شدن امیدوارتر و اگر خداوند فرزندی برای شما مقدر کند عقل وی را پاکیزه‌تر می‌سازد» (قمی، ۱۳۸۶: ۱، باب الجمع).

۴-۱) بیماری‌های مربوط به بهداشت

رسول خدا(ص): «هر کس نوره بکشد و پس از آن حنا بر بدن خود بمالد خدای تعالی او را از سه چیز ایمن بدارد: اول: جذام، دوم: پیسی و سوم: خوره و او از این امراض در امان است تا بار دیگر که به همین ترتیب تنویر و خضاب کند» (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۱/۱۶۲). رسول خدا(ص): «با حنا خضاب کنید آن چشم را روشنی می‌بخشد و موجب روئیدن و رشد موها می‌شود و بوی را خوش می‌سازد و همسر را آرامش و اطمینان می‌بخشد» (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۱/۱۶۲). رسول خدا(ص): «دردها و بیماری‌های عمده سه درد است و داروهای عمده نیز سه گونه است اما درد ناشی از زیادی خون و مره (صفرا و یا سودا) و بلغم است، پس درمان زیادی خون حجامت است و درمان بلغم حمام رفتن و درمان صفرا و سودا مسهل است» (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۱/۱۷۰).

رسول خدا(ص): «هر کس ناخن‌هایش را روزهای شنبه و پنجشنبه کوتاه کند و موی پشت لبش را بگیرد از درد دندان و درد چشم شفا یابد» (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۱/۱۷۳). رسول خدا(ص) به مردان فرمود: «ناخن‌های خود را کوتاه کنید و به زنان فرمود: قدری از ناخن خود را بگذارید که همانا برای زینت شما بهتر است» (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۱/۱۷۳). عنبسۀ بن سعید به اسناد خود از رسول خدا(ص) نقل کرده که فرمود: «شانه کردن موی سر مرض وبا را دور و روزی را جلب و قوه مردی را زیاد می‌کند» (ابن بابویه، بی‌تا: ۵۵). امام باقر(ع): «هر کس ناخن‌هایش را هر روز پنجشنبه بگیرد فرزندان‌ش دچار چشم درد نمی‌شوند» (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۱/۱۷۳). امام صادق(ع): «حنا مالیدن بر بدن از پی نوره کشیدن و به دنبال آن، موجب ایمن شدن از جذام و پیسی است» (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۱/۱۶۲). امام صادق(ع): «حنا بستن

بوی بد ناشی از عرق را از بین برده و طراوت و آب و رنگ چهره را فزونی بخشد و دهان را خوشبو کند، و فرزند را خوش سیما نماید» (ابن بابویه، ۱۳۶۷/۱: ۱۶۲). امام صادق (ع): «گرفتن موی داخل بینی رخسار را نیکو می‌سازد» (ابن بابویه، ۱۳۶۷/۱: ۱۶۷). امام صادق (ع): «شستن سر با (برگ یا گل) خطمی در هر جمعه موجب ایمنی از پیسی و دیوانگی است» (ابن بابویه، ۱۳۶۷/۱: ۱۶۷). امام صادق (ع): «سه چیز است که بدن را از هم می‌پاشد و بسا انسان را می‌کشد: خوردن گوشت خشک شده (خشک کرده) که بو گرفته باشد و به حمام رفتن با شکم پر و زناشوئی و همبستری با پیر زنان و در روایت دیگرست که: نزدیکی با شکم پر و بعد از غذا» (ابن بابویه، ۱۳۶۷/۱: ۱۷۰). امام صادق (ع): «کوتاه کردن ناخن‌ها در روز جمعه شخص را از بیماری جذام و دیوانگی و پیسی و کوری در امان می‌دارد و اگر چندان نبود که احتیاج بگرفتن آن داشته باشی یک بار مقراض (قیچی) را بر ناخن‌ها بکش (که اندکی بتراشد)» (ابن بابویه، ۱۳۶۷/۱: ۱۷۰). امام صادق (ع): «شانه زدن موی سر مرض وبا را از بین می‌برد و شانه زدن بریش دندان‌ها را محکم می‌کند» (ابن بابویه، ۱۳۶۷/۱: ۱۷۳). امام صادق (ع): «چهار چیز جزء اخلاق پیامبران محسوب می‌شود. بوی خوش بکار بردن، نظافت کردن و پاکسازی با ستره و تراشیدن موی بدن با نوره و بسیاری نزدیکی کردن» (ابن بابویه، ۱۳۶۷/۱: ۱۷۹). امام صادق (ع): «سرمه کشیدن هنگام خواب ایمنی از آب آوردن چشم است» (ابن بابویه، بی‌تا: ۵۶). اسحاق صیرفی کوفی گوید امام صادق (ع) فرمود: «ای اسحاق موی بدن خود را به دارو بر طرف کن تا شپش و چرکی و پلیدی از آن سترده گردد و گردن تو ستبر و چشم‌ت روشن شود» (ابن بابویه، بی‌تا: ۵۷). امام رضا (ع): «در استنجاء از غائط آنچه بر شکاف دبر ظاهر است، شسته می‌شود و سر انگشت بدهون آن نمی‌کنند و سخن گفتن و حرف زدن بر سر خلا (در حال تخلی) روا نیست، بخاطر نهی پیامبر (ص) از آن» (ابن بابویه، ۱۳۶۷/۱: ۵۷). امام رضا (ع): «فصد و حجامت که موجب دفع بسیاری از سموم بدن خصوص زیادی سوداء و مواد زائده‌ای که در خون رسوب می‌کند می‌باشد بهترین اوقات آن اول فصل بهار است زیرا در این فصل بواسطه هیجانی که در خون پدید می‌آید ترس کمبودی خون در کار نیست در فصل بهار بواسطه کم شدن بلغم سوداء بیشتر رسوب میکند در نتیجه عوارض جلدی جوش و دمل، زردخم، سالک، خارش‌های مختلف، لک‌های سفید، سیاه و غیره زیاده‌تر پیدا می‌شود و بهترین علاج آنها دفع زیادی سوداء بوسیله فصد و حجامت است» (امام هشتم علیه السلام، ۱۳۸۱: ۱۲۶). بهترین درمان طبیعی و مفید ماساژ با روغن است، روغن شب‌بو و زیتون و گل‌سرخ مفیدترین مایعی است که در ماساژ بکار می‌رود. ماساژ استخوان‌ها را نرم می‌کند جریان خون را تسریع می‌نماید در مورد تصلب شرائین و فشار خون بسیار مفید است. ماساژ عمل تعریق را آسان می‌سازد و با ازدیاد ترشح غدد سمومات را بیشتر خارج می‌کند. ماساژ اعصاب را از سکون و تحریک افراطی هر دو آسوده می‌کند، در بدن تولید حرارت می‌نماید. ماساژ روی شکم بهترین وسیله معالجه سوء هاضمه و بعضی از انواع اسهال‌ها است. معده و روده‌ها را نیرومند می‌کند- عمل هضم را تسهیل می‌نماید و امتلاء را برطرف می‌سازد. ماساژ باید در هوای آزاد و نسبتاً گرم و در حالی که بیمار کاملاً استراحت کرده باشد انجام گیرد (امام هشتم علیه السلام، ۱۳۸۱: ۱۷۲). برای قضای حاجت بجای خلوت برو و بقدری که نیازت بر طرف شود، در آن تأمل کن. زیاد در بیت الخلاء درنگ نکن چه مکث زیاد در بیت الخلاء مورث داء الفیل می‌شود (امام هشتم علیه السلام، ۱۳۸۱: ۲۰۰).

۱-۵) احادیث مربوط به زیبایی

رسول اکرم (ص): «خضاب کنید که بر جوانی و زیبایی شما می‌افزاید» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۳). پیامبر (ص): «خداوند زیبایی و آراستن را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن، کراهت دارد» (طوسی، ۱۳۷۰: ۲۷۵/۱). پیامبر (ص): «با حنا خضاب کنید؛ چون چشم را روشن می‌کند و مو را می‌رویانند و بوی بد بدن را پاک می‌کند و به همسر انسان آرامش می‌دهد» (کلینی، ۱۳۶۹: ۴۸۱/۶). امام صادق (ع): «به را به زنان باردار خود بخورانید، زیرا اطفال شما را زیبا می‌کند» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۸۸-۸۶). امام رضا (ع): «سه چیز از روش‌های پیامبران است، عطر زدن، مو گذاشتن و بسیار همبستر شدن» (کلینی، ۱۳۶۹: ۲۸۵/۶). امام رضا (ع): «خوردن همیشگی تخم‌مرغ، سبب پیدایش کنجک (کک مک) در صورت می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۳۲۱/۶۲).

۲) بیماری‌های روحی و روانی

بیماری‌های روحی و روانی اکثراً ریشه در اعتقادات دارد که ارتباط مستقیمی با ویژگی‌های روحی و روانی فرد دارد. این بیماری‌ها شامل: الف) بیماری‌های اخلاقی، ب) بیماری‌های رفتاری، ج) بیماری‌های اعتقادی است. بیماری‌های اخلاقی مانند: تکبر، خودبینی، حسادت، کوتاه نظری، بخل، خساست و... بیماری‌های رفتاری مانند: مردم آزاری، جنون، کودک آزاری، وحشی‌گری، ستمگری و زورگویی و... بیماری‌های اعتقادی مانند: عدم ایمان، شرک، کفر، نفاق، دروغ‌گویی، بی اعتقادی یا بی دینی و....

۱-۲) بیماری های اخلاقی

پیامبر(ص): «کدام درد و مریضی از مرض بخل و خسیسی دردناکتر است؟!» (حسینی عاملی، ۱۳۸۴: ۶). پیامبر(ص): «برحذر باشید و از صفت بُخل و تنگ نظری بپرهیزید. بُخل و خست، پیشینیان قبل از شما را وادار به ریختن خون همدیگر کرد و از ارحام و خویشان خود بریدند و ضوابط و حرمت ها را به کلی هتک و از بین بردند» (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۸۳/۱). پیامبر(ص): «هیچ گاه در کارهایت با آدم زبون و ترسو یا بخیل و یا حریص مشورت مکن» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰۲/۷۳). امام علی(ع): «حسادت عیبی رسوا و بخلی سهمگین است و حسود تا به آرزوی خود درباره محسودش نرسد آرام نمی گیرد» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۱۲۸، ح ۲۲۲۹). امام علی(ع): «آفرین بر حسادت! چه عدالت پیشه است! پیش از همه صاحب خود را می کشد» (دیلمی، ۱۳۷۱: ۱۲۹/۱). امام علی(ع): «خودپسندی و از خود رضایی بدترین بیماری روانی است» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۴۴۶). امام علی(ع): «مستبد به رأی نباش، چه آنکس که در رأی خود استبداد ورزد سرانجام هلاک خواهد شد» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۸۱۱). امام صادق(ع): «شش صفت در مؤمن نیست: سخت گیری، بی خیری، حسادت، لجاجت، دروغگویی و تجاوز» (ابن شعبه، ۱۳۸۱: ۳۷۷).

۲-۲) بیماری های رفتاری

پیامبر(ص): «به مردم ناسزا نگویند، که با این کار در میان آنها دشمن پیدا می کنید» (کلینی، ۱۳۶۹: ۳۶۰/۲، ح ۳). پیامبر(ص): «مردی به رسول خدا (ص) عرض کرد: به من اخلاقی بیاموزید که خیر دنیا و آخرت در آن جمع باشد، حضرت فرمودند: دروغ نگو» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۲/۶۹، ح ۴۳). پیامبر(ص): «سه خصلت است که در هر کس باشد (آثارش) به خود او بر می گردد: ظلم کردن، فریب دادن و تخلف از وعده» (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۲۲، ح ۱۲۸۱). امام علی(ع): «آنکه سخن زشتی بشنود و بازگویش کند مانند کسی است که آن را گفته است» (ابن ابی الحدید، بی تا: ۲۰/۲۷۳، ح ۱۶۰). امام علی(ع): «دروغگو با دروغگویی خود سه چیز بدست می آورد: خشم خدا را نسبت به خود، نگاه تحقیرآمیز مردم را نسبت به خود و دشمنی فرشتگان را نسبت به خود» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۲۲۱، ح ۴۴۱۸). امام علی(ع): «هر کس ظلم کند، امرش فاسد و عمرش کوتاه می شود» (نوری، ۱۴۰۸: ۹۹/۱۲، ح ۱۳۶۲۹). امام سجاده(ع): «از دروغ کوچک و بزرگش، جدی و شوخیش بپرهیزید، زیرا انسان هرگاه در چیز کوچک دروغ بگوید، به گفتن دروغ بزرگ نیز جرئت پیدا می کند» (ابن شعبه، ۱۳۸۱: ۲۷۸). امام صادق(ع): «گناهی که نعمت ها را تغییر می دهد، تجاوز به حقوق دیگران است. گناهی که پشیمانی می آورد، قتل است. گناهی که گرفتاری ایجاد می کند، ظلم است. گناهی که آبرو می برد، شراپخواری است. گناهی که جلوی روزی را می گیرد، زناست. گناهی که مرگ را شتاب می بخشد، قطع رابطه با خویشان است. گناهی که مانع استجاب دعا می شود و زندگی را تیره و تار می کند، نافرمانی از پدر و مادر است» (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۵۸۴/۲، ح ۲۷). درباره مکارم الاخلاق سؤال شد، امام صادق(ع) فرمودند: «گذشت از کسی که به تو ظلم کرده، رابطه با کسی که با تو قطع رابطه کرده، عطا به آن کس که از تو دریغ داشته است و گفتن حق اگر چه بر ضد خودت باشد» (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۵۳/۶).

۳-۲) بیماری های اعتقادی

پیامبر اکرم(ص): «آنچه بیش از هر چیز دیگری بر شما می ترسم شرک اصغر است، گفتند: ای پیغمبر خدا شرک اصغر چیست؟ حضرت فرمود: ریا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۷۲، ح ۳۰۳). پیامبر(ص): «ظلم سه قسم است: ظلمی که خدا نمی آمرزد، ظلمی که می آمرزد و ظلمی که از آن نمی گذرد، اما ظلمی که خدا نمی آمرزد شرک است. خداوند می فرماید: «حقا که شرک ظلمی بزرگ است» و اما ظلمی که خدا می - آمرزد، ظلم بندگان به خودشان میان خود و پروردگارشان است اما ظلمی که خدا از آن نمی گذرد ظلم بندگان به یکدیگر است» (پاینده، ۱۳۸۲: ۵۶۱، ح ۱۹۲۴). حضرت زهرا(س): «خدای تعالی ایمان را برای پاکیزگی از شرک قرار داد و نماز را برای دوری از تکبر و خودخواهی» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۹۹/۱). «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۷) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. خداوند در این آیه ایمان به خود را متذکر شده و می فرماید کسی که مومن باشد و ایمان داشته باشد هیچ ترس و اندوهی بر او نیست به این معنا که نه در دنیا و نه در آخرت برای او ترس و اندوهی نخواهد بود و روح و جسم او در آرامش است. قرآن شفا و دواي دردهای قلوب است شک، حقد، حسد، شرک، کفر، نفاق که امراض قلوب اند بوسیله قرآن زدوده می شوند «هُوَ شِفَاءٌ» از طرف دیگر معرفت، ایمان، عاطفه، انصاف و غیره بوسیله آن وارد قلوب می شوند و آنها عبارت اخرای رحمت اند لذا در زدودن اسقام قلب شفاء و در وارد کردن فضائل بقلب رحمت است «هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ» مثل «هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (یوسف: ۱۱۱). این قرآن یکپارچه رحمت و شفاء است ظالمان را جز زبان نیافزاید چنانکه در «خسر» گذشت (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۵۹/۴).

امام سجّاد(ع): «ای بندگان خدا آگاه باشید برای اهل شرک ترازوهای اعمال قرار نخواهد گرفت و دفترهای حساب و کتاب گسترده نمی-شوند بلکه دسته جمعی به سوی جهنم فرستاده می-شوند و قرار دادن آن ترازوها و گسردن آن دیوان و دفترها برای اهل اسلام است» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۴/ ۵۰۷). امام صادق(ع): «آدم دین دار چون می-اندیشد، آرامش بر جان او حاکم است. چون خضوع می-کند متواضع است. چون قناعت می-کند، بی نیاز است. به آنچه داده شده خشنود است. چون تنهایی را برگزیده از دوستان بی نیاز است. چون هوا و هوس را رها کرده آزاد است. چون دنیا را فرو گذارده از بدیها و گزندهای آن در امان است. چون حسادت را دور افکنده محبتش آشکار است. مردم را نمی-ترساند پس از آنان نمی-هراسد و به آنان تجاوز نمی-کند پس از گزندشان در امان است. به هیچ چیز دل نمی-بندد پس به رستگاری و کمال فضیلت دست می-یابد و عافیت را به دیده بصیرت می-نگرد پس کارش به پشیمانی نمی-گشدد» (مفید، ۱۳۶۴: ۵۲، ح ۱۴). امام صادق(ع): «ابلیس به سربازان خود می-گوید: حسادت و ظلم را در میان انسانها منتشر کنید که اینها در نزد خدا با شرک برابرند» (کلینی، ۱۳۶۹: ۳۲۷/۲)

نتیجه

۱) طب اسلامی با محوریت قرآن و سیره نبوی(ص) و معصومین(ع) برای دستیابی بشر به سعادت واقعی، تمامی ابعاد وجودی انسان را مورد توجه قرار داده و از نظر جسمی و روحی نیازهای بشر را پیش بینی نموده و به آنها پاسخ داده است. از جمله این نیازها پاسخگویی به بیماری‌های جسمی و روحی انسان حتی در جزئی ترین موارد آن می‌باشد.

۲) با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر علم پزشکی و همینطور پیشرفت علم روان پزشکی پاسخ به این پرسش که آیا طب اسلامی با محوریت گفته شده می‌تواند راه جدیدی برای مداوای بیماری‌ها داشته باشد؟ و جدای از این علوم به نیاز بشر پاسخ دهد؟ پاسخ این است که با همه‌ی پیشرفت‌ها نمی‌توان منکر این شد که هنوز علوم یاد شده به تکامل واقعی خود نرسیده‌اند و از آن طرف دستورات دینی که پایه و ریشه در وحی الهی و منشا حقیقی خلقت یعنی خداوند دارد تمامی ابعاد وجودی بشر را دیده و برای جزئی ترین عمل انسان هم حکمی را قائل شده است، به تبع خداوندی که خالق است به تمامی عیوب و بیماری‌های موجود برای بشر آگاه است و برای آنها درمان و مداوایی قرار داده گرچه ممکن است هنوز علم بشر چه از نظر دینی و چه از نظر پزشکی به حدی نرسیده که پاسخگوی علت و معلول‌ها باشد. به همین دلیل تا قبل از پیشرفت طب نوین در اسلام مداوا و پیشگیری از بیماری‌ها براساس همین دستورات دینی صورت می‌گرفته است و جای تعجب نیست که طب اسلامی بتواند با نسخه ای لاعلاج‌ترین بیماری‌ها را درمان نماید. اما با تلاش و جهاد میان رشته‌ای بین طب نوین و طب اسلامی نتایج چشمگیر و همچنین راه جدیدی برای مداوای بیماری‌ها بوجود خواهد آمد.

۳) طب اسلامی با وجود پیشرفت‌های طب نوین هنوز پویایی خود را حفظ نموده است چراکه ریشه در وحی الهی و از منبعی مطمئن کسب شده است. همانطور که مشاهده می‌شود طب نوین با پیشرفت‌هایی که نموده است در موارد بسیاری به دلایل علمی طب اسلامی دست یافته و روز به روز این مورد نمایان‌تر خواهد شد. البته دانشمندان علم پزشکی و روان پزشکی و علوم مرتبط با این دو با تلاش و صرف وقت و همکاری با دانشمندان علوم اسلامی می‌توانند ارتباطی ناگسستنی بین طب اسلامی و طب نوین ایجاد نموده که منجر به پاسخگویی حداکثری در زمینه‌های این علوم به نیاز بشری شود.

مراجع

قرآن کریم

- امام هشتم علیه السلام، علی بن موسی، ترجمه امیر صادقی، طبّ الرضا علیه السلام، تهران: بی جا، ۱۳۸۱.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، بی تا.
- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه ذهنی تهرانی، علل الشرائع، قم: بی جا، ۱۳۸۰.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه غفاری، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، تهران: بی جا، بی تا.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لا یحضره الفقیه، تهران: بی جا، ۱۳۶۷.
- ابن شعبه، حسن بن علی، ترجمه جعفری، تحف العقول، تهران: بی جا، ۱۳۸۱.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم: چاپ جلال الدین محدث أرموی، ۱۳۳۱.
- پاک نژاد، رضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۰.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
- تمیمی المغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضا و الاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام، مصر: دارالمعارف، ۱۳۸۹ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالحديث، ۱۳۸۳.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعۀ إلى تحصیل مسائل الشریعۀ، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
- حسینی عاملی، محمد بن حسن، المواعظ العدیدیه: احادیث و حکم و مواعظ تبدا بالاحاد و تنتهی بالاثنی عشر، قم: طلیعه النور، ۱۳۸۴.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، الجعفریات (الأشعثیات)، قم: موسسه الثقافه الاسلامیه لکوشانپور، ۱۴۱۷ق.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد او مدینه السلام، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب (دیلمی)، قم: الشریف الرضی، ۱۳۷۱.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد مقدس: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرين، تهران: مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵.
- طوسی، محمد بن حسن، ترجمه حسن زاده، الامالی، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸.
- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: بی جا، ۱۴۱۲ق.
- قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الوارده فیها علی بحار الانوار بطبعته القدیمة و الجدیده، تهران: اسوه، ۱۳۸۶.
- کارلیه، لئونس، مترجم: مهدی بن ابی ذر نراقی، گل ها و گیاهان شفابخش، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ترجمه کمره ای، الروضۀ من الکافی یا گلستان آل محمد، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۸۲ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ترجمه مصطفوی، اصول کافی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، تهران: موسسه البعثه، ۱۳۸۷.
- متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنین الاقوال والافعال، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (علیهم السلام)، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محمّدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۵.
- مستغفری، ابوالعباس، طب النبی (ص)، قم: رضی، ۱۳۶۲.
- مفید، محمد بن محمد، امالی شیخ مفید، مشهد مقدس: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.
- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسایل، بیروت: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.